

۴ شنبه ۱۵/۱۱/۱۴۰۴ - ۱۵ شعبان ۱۴۴۷ - ۴ فوریه ۲۰۲۶ - فقه معاصر - فقه الاداره - فقه انگیزش (فقه مدیریت رفتار سازمانی) - فقه روابط انسانی سازمانی - نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - درس ۸۷ - رابطه مدیر با خلق - اصول سبعة^۱ - اصل سوم - التواضع ۴ - باب تواضع در مصباح الشریعه

❖ مسئله ۸۷: و تواضع چیزی است که برای خدا و در راه خدا باشد، و اگر نه آن مکر و تکبر است، اگرچه به صورت تواضع باشد و چون تواضع مدیر برای خدا شد، خداوند متعال او را عزت و بزرگی در سازمان داده و شرافت بر دیگران پیدا می‌کند و اثربخشی تواضع این است که در مقابل حق مطیع و خاضع گردد، اگرچه ذی‌حق یک کارمند دون‌پایه و یا بجهای باشد

تواضع در برابر خلق سازمانی از وظائف مبنایی مدیران است. از نوبت قبل حقیقت تواضع را در مصباح الشریعه از امام صادق علیه السلام که نقشه‌ی راه روابط انسانی را در حدیثی معتبر ترسیم فرمود آغاز کردیم. یک فتوا هم داده شد. حال بخش اول آن را ادامه می‌دهیم:

الباب الثاني و الثلاثون في التواضع^۲

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

(الف)

- ۱- التَّوَّاضِعُ أَصْلٌ كُلُّ شَرَفٍ نَفِيسٍ وَ مَرْتَبَةٍ رَفِيعَةٍ؛
- ۲- وَ لَوْ كَانَ لِلتَّوَّاضِعِ لُغَةٌ يَفْهَمُهَا الْخَلْقُ لَنُطِقَ عَنْ حَقَائِقِ مَا فِي مَخْفِيَّاتِ الْعَوَاقِبِ؛
- ۳- وَ التَّوَّاضِعُ مَا يَكُونُ لِلَّهِ وَ فِي اللَّهِ وَ مَا سِوَاهُ مَكْرًا؛^۳
- ۴- وَ مَنْ تَوَّاضَعَ لِلَّهِ شَرَّفَهُ اللَّهُ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ؛
- ۵- سُئِلَ بَعْضُهُمْ عَنِ التَّوَّاضِعِ قَالَ هُوَ أَنْ يَخْضَعَ لِلْحَقِّ وَ يَتَّقَادَ لَهُ وَ لَوْ سَمِعَهُ مِنْ صَبِيٍّ وَ كَثِيرٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْكِبَرِ يَمْنَعُ مِنْ اسْتِفَادَةِ الْعِلْمِ وَ قَبُولِهِ وَ الْإِتْقَادِ لَهُ وَ فِيهِ وَرَدَتْ الْآيَاتُ الَّتِي فِيهَا ذَمُّ الْمُتَكَبِّرِينَ؛

^۱ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا وَ كُلُّ وَجْهٍ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَرْكَانٍ أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءٍ أَدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حُدُودِهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشُّوقُ إِلَيْهِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْحَوْفِ وَ الْجُهْدُ وَ حَمْلُ الْأَدَى وَ الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصِّدْقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَ رِنْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْحِلْمِ وَ الْعَفْوُ وَ التَّوَّاضِعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّقَقَةُ وَ النَّصْحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّلِّ وَ الْإِيتِازُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَقْمُودِ وَ بَعْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الرُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ أَفَاتِمَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِمَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْحِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُتَّقِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ خَفَا. (امام جعفر بن محمد، مصباح الشریعه، ص. ۵)

^۲ امام جعفر بن محمد علیه السلام، مصباح الشریعه، ص. ۷۲ (الباب الثاني و الثلاثون في التواضع)

^۳ مکر معادل نیرنگ و فریب در فارسی می‌باشد و به معنای تدبیر برای ضرر رساندن می‌باشد و در اصطلاح به معنای پیدا کردن راه‌هایی پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است. مکر در لغت به معنای تدبیر برای ضرر رساندن یا حيله‌گری در نمان آمده؛ یعنی منصرف کردن غیر از تصمیم خودش به وسیله نیرنگ (سان‌العرب). مکر. اللَّيْثُ: الْمَكْرُ اخْتِيَالٌ فِي خَفِيَّةٍ، قَالَ: وَسَمِعْنَا أَنَّ الْكَيْدَ فِي الْحُرُوفِ حَلَالٌ، وَالْمَكْرُ فِي كُلِّ حَالٍ حَرَامٌ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرًا نَامِكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ. قَالَ أَهْلُ الْعِلْمِ بِالتَّأْوِيلِ: الْمَكْرُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى جَزَاءٌ سُمِّيَ بِاسْمِ مَكْرٍ الْمِجَازِي كَمَا قَالَ تَعَالَى: وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا، فَالتَّائِيَةُ لَيْسَتْ بِسَيِّئَةٍ فِي الْحَقِيقَةِ وَلَكِنَّهَا سُمِّيَتْ سَيِّئَةً لِإِزْدِوَاجِ الْكَلَامِ، وَكَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ، فَالْأَوَّلُ ظَلَمٌ وَالتَّائِيَةُ لَيْسَ بِظَلَمٍ وَلَكِنَّهُ سُمِّيَ بِاسْمِ الذَّنْبِ لِجَعْلِهِ عِقَابَ عَلَيْهِ وَجَزَاءُ بِهِ، وَيَجْرِي مَجْرَى هَذَا الْقَوْلِ قَوْلُهُ تَعَالَى: يُجَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَاللَّهُ سَهِيذٌ يَهْمُ، بِمَا جَاءَ فِي كِتَابِ اللَّهِ سبحانه. ابْنُ سَيِّدَةَ: الْمَكْرُ الخَدِيعَةُ وَالْإِخْتِيَالُ، مَكْرٌ بِمَكْرٍ مَكْرًا وَمَكْرٌ بِهِ. وَفِي حَدِيثِ الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ امْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ بِي. مُعَادِلُ «مَكْرٍ» فِي زَبَانِ فَارِسِي فَرِيبٌ، نِيرِگٌ وَ... اسْت. مَكْرٌ فِي اصْطِلَاحِ عِلْمِ اخْلَاقٍ بِهْ مَعْنَى جِسْتَن رَاه‌ه‌ای پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است؛ لذا رذيله‌ای از رذائل قوه‌ی عاقله است و جزء مهلكات بزرگ و زشت‌ترین رذائل به حساب می‌آید که گناه شدید و بزرگی به شمار می‌رود. مکر، رفتاری ناپسند است که خداوند مکاران را به شدت توبیخ نموده و در قرآن مجازاتی را برای آن‌ها رقم زده که این مجازات نشان از ریشه داشتن این رفتار در اختیار و صفات روانی انسان دارد. «وَإِذَا دَفَعْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّهُمْ إِذَا هُمْ مَكْرُونَ فِي آيَاتِنَا» (یونس: ۲۱). هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آن‌ها رسیده است، رحمتی بچشانیم، در آیات ما نیرنگ می‌کنند.»

۶- وَ لِأَهْلِ التَّوَاضُعِ سِيمَاءٌ يَعْرِفُهَا أَهْلُ السَّمَاوَاتِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ مِنَ الْعَارِفِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ قَالَ تَعَالَى أَيْضاً مَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ قَالَ تَعَالَى أَيْضاً إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ قَالَ تَعَالَى فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ؛

(ب)

۱. وَ أَصْلُ التَّوَاضُعِ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ وَ هَيْبَتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ لَيْسَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ يَرْضَاهَا وَ يَقْبَلُهَا إِلَّا وَ بِأَجْهَا التَّوَاضُعُ؛
۲. وَ لَا يَعْرِفُ مَا فِي مَعْنَى حَقِيقَةِ التَّوَاضُعِ إِلَّا الْمُفَرِّقُونَ مِنْ عِبَادِهِ الْمُتَّصِلُونَ بِوَحْدَانِيَّتِهِ قَالَ اللَّهُ ﷻ وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛
۳. وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى أَعَزَّ خَلْقِهِ وَ سَيِّدَ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدًا ﷺ بِالتَّوَاضُعِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛
۴. وَ التَّوَاضُعُ مَزْرَعَةُ الْخُشُوعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْحَشْيَةِ وَ الْحَيَاءِ وَ إِهْنًا لَا يَتَّبِعَنَّ إِلَّا مِنْهَا؛
۵. وَ لَا يَسْلُمُ الشَّرْفُ التَّامُّ الْحَقِيقِيُّ إِلَّا لِلْمُتَوَاضِعِ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى؛

۴. الباب الثامن و الخمسون في التواضع: قال الصادق عليه السلام: التواضع أصل كل شرف نفيس و مرتبة رفيعة، و لو كان للتواضع لغة يفهمها الخلق لنتق عن حقايق ما في مخفيات العواقب. و التواضع ما يكون لله و في الله، و ما سواه فكبر (مكر)، و من تواضع لله شرفه الله على كثير من عباده (سئل بعضهم عن التواضع؟ قال هو أن يخضع للحق و ينقاد له و لو سمعه من صبي، و كثير من انواع الكبر يمنع من استفادة العلم و قبوله و الانقياد له، و فيه وردت الآيات التي فيها ذم المنكبرين) و لاهل التواضع سيماء يعرفها أهل السموات (السماء) من الملائكة و أهل الارض من العارفين. قال الله تعالى: وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ. و قال ايضا: من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه أذلة على المؤمنين أعززة على الكافرين. و قال ايضا: ان أكرمكم عند الله أتقاكم. و قال: فلا تزكوا أنفسكم. (باب پنجاه و هشتم در تواضع) حضرت صادق عليه السلام فرموده است: تواضع و فروتنی اساس هر گونه شرافت عظیم و مرتبه بلندی است، و اگر برای تواضع زبان و لغتی بود هر آینه خبر می داد ما را از حقايق پوشیده و اسرار نمان و نتایجی را که برای آن هست. و تواضع چیزی است که برای خدا و در راه خدا باشد، و اگر نه، آن مکر و تکبر است، اگر چه به صورت تواضع باشد. و چون تواضع برای خدا شد؛ خداوند متعال او را عزت و بزرگی داده، و شرافت بر دیگران پیدا می کند. بعضی از علماء را از حقیقت تواضع پرسیدند؟ جواب داد که: تواضع این است که در مقابل حق مطیع و خاضع گردد، اگر چه طرف يك فرد پست و یا بچه ای باشد. و تکبر در بسیاری از موارد مانع از آموختن علوم و استفاده از اهل علم و معرفت شده، و از خضوع و فروتنی در مقابل حق و علم و از قبول آن نمی می کند. و درباره ی فروتنی آیاتی نازل شده است که در ضمن آن ها به مذمت و نکوهش تکبر اشاره فرموده است. و برای اشخاص متواضع چهره های مخصوصی است که؛ ملائکه آسمان و اهل معرفت از اهل زمین آنان را می شناسند. خداوند متعال می فرماید: در مقامات بلند و بالا مردانی هستند که هر کسی را از چهره و سیمای او می شناسند، و خصوصیات روحی او را تشخیص می دهند. و باز فرموده است: هرگاه شما از دین مقدس الهی منصرف و مرتد گردید، خواهد آورد خداوند متعال جمعی را که دوست می دارد آنان را و آنان نیز خدا را دوست می دارند و آنان در مقابل مؤمنین متواضع و پست بوده و در مقابل کفار عزیز و بزرگوارند. و فرمود: گرامی ترین شماها نزد پروردگار متعال کسی است که پرهیزکارتر باشد. و فرمود خودتان را با تزکیه و تقدیس و ترفیع مقام معرفی نکنید. شرح: هنگامی که انسان متوجه به الوهیت و عظمت و جلال پروردگار متعال گشته، و عبودیت و ذلت و عجز و حقارت خود را دید، قهراً در همه حال و در هر مقام خود را کوچک و محدود و فقیر دانسته، و ذاتاً و وجداناً از خودبینی و خودستایی دوری خواهد کرد، و این معنی را تواضع لله گویند. و چون تواضع در مواردی صورت گیرد که در راه خدا است و منتهی به خدا می شود؛ آن را تواضع فی الله گویند. و در صورتی که فروتنی روی اغراض دنیوی و مقاصد مادی صورت گیرد، مانند تواضع برای جلب نفوس و اظهار قدس و تقوی و ایجاد محبت و به دست آوردن مال و عنوان و اعمال نظرهای شخصی و امثال اینها؛ برگشت آن به خود- پسندی و خودستایی و خود خواهی بوده، و حيله و مکر و نیز به تکبر اضافه خواهد شد. در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسی است/آن به کزین گروه سبکبار بگذری؛ آن کس که او فتاد خدایش گرفت دست/گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری؛ در کوی عشق شوکت شاهی نمی خرن/اقرار بندگی کن و اظهار چاکری. قال رسول الله ﷺ: ان الله أوحى الى أن تواضعوا حتى لا يفخر أحد على أحد و لا يبغي أحد على أحد، و ما تواضع أحد لله الا رفعه الله. و كان رسول الله ﷺ اذا مر على الصبيان فيسلم عليهم لكمال تواضعه) و اصل التواضع من اجلال (جلال) الله تعالى و هيبته و عظمته و ليس لله عز و جل عبادة يقبلها و يرضاها الا و باجها التواضع، و لا يعرف ما في (في معنى) حقيقة التواضع الا المقربون من عباده المتصلون بوحدانيته. قال الله تعالى: و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما و قد أمر الله ﷻ أعز خلقه و سيد بريته محمدا ﷺ بالتواضع، فقال ﷻ: و اخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين. و التواضع مزرعة الخشوع و الخضوع و الحشية و الحياء و اتحن لا تتبين (ينبتن) الا منها (منها و فيها) و لا يسلم الشرف التام الحقيقي الا بالتواضع (للمتواضع) في ذات الله تعالى. رسول اكرم (ص) فرموده است: خداوند متعال وحی کرده است مرا

۶. وَ التَّوَّاضِعُ مَا يَكُونُ لِلَّهِ وَ فِي اللَّهِ وَ مَا سِوَاهُ مَكْرًا؛
 ۷. وَ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ شَرَّفَهُ اللَّهُ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ؛
 ۸. سئِلَ بَعْضُهُمْ عَنِ التَّوَّاضِعِ قَالَ هُوَ أَنْ يَخْضَعَ لِلْحَقِّ وَ يَنْفَادَ لَهُ وَ لَوْ سَمِعَهُ مِنْ صَبِيٍّ وَ كَثِيرٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْكِبَرِ يَمْنَعُ مِنْ اسْتِفَادَةِ الْعِلْمِ وَ قَبُولِهِ وَ الْإِثْقَادِ لَهُ وَ فِيهِ وَرَدَتِ الْآيَاتُ الَّتِي فِيهَا ذَمُّ الْمُتَكَبِّرِينَ؛
 ۹. وَ لِأَهْلِ التَّوَّاضِعِ سِيمَاءٌ يَعْرِفُهَا أَهْلُ السَّمَاوَاتِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ مِنَ الْعَارِفِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ قَالَ تَعَالَى أَيْضًا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ قَالَ تَعَالَى أَيْضًا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ قَالَ تَعَالَى فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ؛

تفقه: گفته شده^۵ هنگامی که انسان متوجه الوهیت و عظمت و جلال پروردگار متعال گشته و عبودیت و ذلت و عجز و حقارت خود را دید، قهراً در همه حال و در هر مقام خود را کوچک و محدود و فقیر دانسته، و ذاتاً و وجداناً از خودبینی و خودستایی دوری خواهد کرد، و این معنی را تواضع لله گویند. و چون تواضع در مواردی صورت گیرد که در راه خداست و منتهی به خدا می شود؛ آن را تواضع فی الله گویند. و در صورتی که فروتنی روی اغراض دنیوی و مقاصد مادی صورت گیرد، مانند تواضع برای جلب نفوس و اظهار قدس و تقوا و ایجاد محبت و به دست آوردن مال و عنوان و اعمال نظرهای شخصی و امثال اینها، برگشت آن به خودپسندی و خودستایی و خودخواهی بوده، و حيله و مکرری نیز به تکبر اضافه خواهد شد.

حال ما می گوئیم که تواضع ظاهری مکر و تکبر است و مکر و تکبر در مقابل مؤمنین مذموم و ممنوع و قبیح است، لقله تعالی: «انه لا یحب المتکبرین»^۶ و گناهی کبیره می باشد.^۷ پس مدیر ملزم است که به تواضع حقیقی و

که تواضع کنید تا فخر و مباهات ننماید یکی از شماها بر دیگری و ظلم و تعدی نکند کسی بر فرد دیگر، و فروتنی نمی کند شخصی برای خدا و در راه او مگر آن که خداوند متعال او را عزت و بلندی مقام می دهد. و رسول اکرم ﷺ هر گاه در عبور خود به بجهای بر می خورد، او را سلام می داد، از جهت نهایت تواضع آن حضرت. و حقیقت تواضع این است که: انسان از جهت جلال و عظمت پروردگار متعال و در مقابل عزت و بزرگواری او پیوسته خود را حقیر و ضعیف دیده و فروتنی کند. و هیچ گونه عبادت و طاعتی نیست که مورد قبول و رضای پروردگار متعال قرار گیرد؛ مگر آن که به صورت تواضع و شکسته دلی و ذلت نفس انجام بگیرد. و از حقیقت تواضع و از نتایج دقیق آن آگاه نمی شود، مگر کسانی که از بندگان مقرب و خاص خدا و از موحدین حقیقی و کامل باشند. و خداوند متعال می فرماید: و بندگان مخصوص من که مورد عنایت و رحمت من قرار می گیرند، افرادی هستند که با کمال فروتنی و افتادگی راه می روند، و چون مردم نادان و خود پسند آنان را خطاب کرده و با آنان سخن گویند؛ با نهایت نرمی و تواضع و سلامتی نفس و طهارت قلب جواب می دهند. و خداوند متعال امر فرموده است گرامی ترین بنده و عزیزترین فرد خلق خود رسول اکرم ﷺ را به موضوع تواضع، و فرموده است که: در مقابل بندگان مؤمن فروتنی و نرمی را شیوه خود قرار بده، و با کمال مهربانی و صفا با آنان رفتار بکن. و تواضع محل کشت کردن و رویدن خشوع و خضوع و خشیت و حیاء است، و آنها آشکار نمی شوند و ظهور نمی کنند مگر از همان محل تواضع. و شرافت به معنی حقیقی و تمام نیز حاصل نمی شود مگر با تواضع در مقابل پروردگار متعال. شرح: روح طاعت و عبادت عبودیت و بندگی است، و روح عبودیت خضوع و فروتنی است، و روح فروتنی ذلت و حقارت نفس در مقابل عزت و عظمت و کبریائی پروردگار متعال است، و نتیجه ذلت نفس و خضوع کمال عزت و بهاء و نور و انشراح صدر است. و پس حقیقت عزت و علو مقام و رفعت درجه حاصل نمی شود مگر در اثر تواضع و فروتنی و عبودیت، اینست که خداوند متعال می فرماید: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ. و مردم مادی و دنیا پرست تصور می کنند که: عزت و بزرگواری در اثر مالداری و ثروت و خود نمایی و خود پسندی و تکبر حاصل می شود، و غفلت دارند که دنیا و مال و اعتبارات ظاهری مادی در معرض زوال و تغیر و تبدل بوده، و موقتی و چند روزی و صوری است، و گذشته از این، موجب بی نیازی نفس و غنای قلب نبوده، و فکر و نظر و تمایلات انسان را تأمین نمی کند، و بلکه بر نیاز و فقر و گرفتاری و احتیاج آدمی می افزاید. مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم/شهان بی کمر و خسروان بی کلهند؛ قدم منه به خرابات جز به شرط ادب/ که سالکان درش محرمان پادشهند (امام جعفر بن محمد، مصباح الشریعة، ص. ۷۲؛ همان، ترجمه مصطفوی، ص. ۴۲۱)

^۵ همان.

^۶ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَ مَا نَعْلَمُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ. (النحل: ۲۳)

^۷ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْكُرْبُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسِعِلَّمَ الْكُفَّارَ لِمَنْ عَقَبِيَ الدَّارِ. (الرعد: ۴۲)

مخلصانه متلبس شود. این تواضع فعلی اثربخش است و در مسیر تأمین اهداف سازمان خواهد بود و اثر دوم این تواضع صحیح این است که مدیر را در قبال حق خاضع می‌کند، ولو ذی‌حق یک کارمند دون‌پایه یا شهروندی عادی باشد. عقل هم این تواضع را تحسین می‌کند و به کسب آن حکم می‌کند، تبعاً للشرع الصادق، فافهم فتدبر. فتحصل که تواضع امری است که برای خدا و در راه خدا باشد، و اگر نه، آن مکر و تکبر است، اگرچه به صورت تواضع باشد و چون تواضع مدیر برای خدا شد، خداوند متعال او را عزت و بزرگی در سازمان داده، و شرافت بر دیگران پیدا می‌کند و اثربخشی تواضع این است که در مقابل حق مطیع و خاضع گردد، اگرچه ذی‌حق یک کارمند دون‌پایه و یا بچه‌ای باشد.^۸

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. (النحل: ۲۶)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ. (النحل: ۲۹)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ. (الزمر: ۷۲)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ. (غافر: ۷۶)

^۸ درس ۸۷ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه‌الاداره، ۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۴۴۷.